

در قفس

درباره‌ی ابوالحسن صبا

فرهود صفرزاده



نشر
فنیجان

تهران
۱۳۹۸

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
وضعیت فهرست‌نویسی
یادداشت
یادداشت
عنوان دیگر
موضوع
موضوع
موضوع
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی

صفرزاده، فرهود، ۱۳۴۸ -
در قفس: درباره‌ی ابوالحسن صبا/ فرهود صفرزاده؛
ویراستار: محمد افتخاری.
تهران: نشر فنجان، ۱۳۹۷.
۲۸۶ ص.؛ ۱۳/۵×۲۰/۵ س.م.
هنر. موسیقی ایرانی.
مجموعه‌ی زمرد؛ ۳.
۹۷۸-۶۰۰-۹۹۶۴۲-۲-۲
فیبا.
کتاب‌نامه.
نمایه.
درباره‌ی ابوالحسن صبا.
صبا، ابوالحسن، ۱۲۸۱-۱۳۳۶.
موسیقی دانان ایرانی - سرگذشت‌نامه.
Musicians — Iran — Biography
ML ۱۳۹۷ ص۲/ص ۴۱۰
۷۸۹/۰۲
۵۴۰۴۹۱۳

نویسنده	فرهود صفرزاده
ویراستار	محمد افتخاری
نمایه‌ساز	فرامرز همایونی
طراح جلد	حسن کریم‌زاده
ناظر فنی	انوشه صادقی‌آزاد
ناظر چاپ	علی سجودی
نوبت چاپ	دوم، پاییز ۱۳۹۸
	اول، زمستان ۱۳۹۷
چاپ	شادرنگ
تیراژ	۱۰۰۰ نسخه
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۹۶۴۲-۲-۲

تمام حقوق این اثر متعلق به نشر فنجان است و هرگونه استفاده از عناصر صوری و محتوایی آن، کلاً و جزئاً، به هر زبانی و به هر شکلی بدون اجازه‌ی کتبی ناشر ممنوع است.



تهران، صندوق پستی ۵۳۴۴-۱۴۱۵۵ تلفن ۰۹۱۹۸۰۰۱۰۰۵
fenjanbooks@gmail.com

فهرست

پیش‌گفتار	سیزده
سرگذشت و سرنوشت	
صباى اصیل	۱
صباى هنرجو	۱۱
صباى هنرمند	۲۸
صباى نوازنده	۴۲
صباى هنرآموز	۷۴
صباى ردیف‌دان	۹۸
دیلمان (دشتی)	۱۰۰
امیری (دشتی)	۱۰۰
صدری (افشاری)	۱۰۱
قرایی (افشاری)	۱۰۲
شهابی (بیات ترک)	۱۰۳
صباى آهنگ‌ساز	۱۱۱
زنگ شتر (سه‌گانه)	۱۱۴
سامانی (سه‌گانه)	۱۱۶

۱۱۶	رقص چوبی قاسم آباد (افشاری)
۱۱۷	به زندان (شوشتری)
۱۱۷	کوهستانی یا گوسفنددُخان (دشتی)
۱۱۷	کاروان (دشتی)
۱۱۸	زرد ملیجه (دشتی)
۱۲۱	در قفس (دشتی)
۱۲۷	صبای نویسنده
۱۳۸	صبای پدر
۱۴۷	صبای صبور
۱۷۵	فرازها و فرودها

یادداشت‌ها

۱۷۹	موسیقی ایرانی
۱۸۰	مجالس موسیقی
۱۸۱	آموزش موسیقی
۱۸۳	تعزیه
۱۸۴	رادیو
۱۸۴	تعریف سه‌تار
۱۸۹	نظر من درباره‌ی اجرای رنگ‌های ایرانی
۱۹۱	تصانیف محمدعلی امیرجاهد
۱۹۳	حفظ موسیقی ایرانی
۱۹۵	حلزون، سازی که آقای ابوالحسن اعتصامی اختراع نموده است
۱۹۶	تفحص در اطراف و پیرامون پنج‌ضرب و هفت‌ضرب
۱۹۷	در جلسه‌ی معارفه‌ی نوازندگان ارکستر بزرگ
۲۰۰	تحول در موسیقی ایرانی
۲۰۱	هنر یا زندگی؟

نوشته‌ها

۲۰۵	هنرمندان را بشناسید (روح‌الله خالقی)
-----	--------------------------------------

فهرست یازده

- ۲۰۹ ویولن صبا در موسیقی ایران (محمدعلی امیرجاهد)
۲۱۳ آواز دشتی (بهمن هیربد)
۲۱۴ ابتکارات مخصوص استاد صبا در ویولن (محمدعلی امیرجاهد)
۲۱۷ سه‌تار صبا (تقی تفضلی)
۲۲۱ استاد ابوالحسن صبا (تحریریه‌ی ماهنامه‌ی موزیک ایران)
۲۲۳ درد هنرمند (علینقی وزیری)
۲۲۵ صبا مُرد (تحریریه‌ی ماهنامه‌ی موزیک ایران)

سروده‌ها

- ۲۲۷ مزاح با ابوالحسن خان... (ایرج میرزا جلال‌الممالک)
۲۲۸ یادگار استادان (محمد ایرانی مجرد)
۲۳۰ در قفس (فریدون مشیری)
۲۳۱ ساز صبا (محمدحسین شهریار)
۲۳۲ قصه‌ی پرغصه (پروین بامداد)
۲۳۲ ساز سیه‌پوش گشت (محمود ثنایی)
۲۳۳ صبا نمی‌شود (هوشنگ ابتهاج)
۲۳۳ صبا می‌میرد (محمدحسین شهریار)
۲۳۴ صبا نمی‌میرد (اسماعیل نواب صفا)
۲۳۵ صبای شورافزا (رحیم معینی کرمانشاهی)
۲۳۵ سوی سبا رفت (رضا شاپوریان)
۲۳۶ در سوگ صبا (تورج نگهبان)
۲۳۶ ماده‌تاریخ (جلال‌الدین همایی)

۲۳۹ گاه‌نامه
۲۴۷ کتاب‌نامه
۲۵۹ نام‌نامه

پیش‌گفتار

در این قفس
برای تو یک‌ذره جا نبود
مرهم‌گذارِ خاطرِ ما در عزای تو
جز یادِ نغمه‌های تو و اشکِ ما نبود

ابوالحسن صبا نامی بامسما داشت. لغت‌نامه‌ها نوشته‌اند: صبا بادی است که از زیر عرش خیزد؛ نَفحاتِ رحمانیه است که از جانب مشرقِ روحانیات می‌آید؛ بادی لطیف و خنک است که نسیمی خوش دارد، گل‌ها از آن بشکفتد و عاشقان با او راز گویند. شاید بهتر است به لغت‌نامه‌ها اضافه شود که صبا، نسیمی جان‌فزا و روح‌بخش بود که عمری نجیب و کوتاه داشت و باغ موسیقی ایران را امید و طراوتی نو بخشید. به قول حافظ: از صبا هر دم مشام جان ما خوش می‌شود.

در دوره‌ی نوجوانی به موسیقی چند نوار کاست پناه می‌بردم که دنوازی سنتور فرامرز پایور و تمبک حسین تهرانی، یکی از آن‌ها بود. متأسفانه نام قطعات بر جلد این کاست نوشته نشده بود و نمی‌دانستم نام قطعه‌ای که مجذوب و سحرآمیز می‌کند زرد ملیحه است. وقتی به درس شصت‌ودوم از کتاب اول دستور مقدماتی سه‌تار رسیدم، زرد ملیحه را دوباره یافتیم. روح‌الله خالقی در بالای آن نوشته بود: از آهنگ‌های محلی گیلان که آقای صبا ارمغان آورده‌اند.

درباره‌ی صبا، جمله‌ای تکراری را شنیده‌ایم و می‌شنویم: صبا، مردی که به تنهایی یک ارکستر کامل بود. خلاصه کردن صبا در این جمله‌ی تکراری که فقط به جنبه‌ی نوازندگی او اشاره دارد، اجحاف و ظلم بزرگی است در حق آن هنرمند بی‌همتا که ناخواسته و ناآگاهانه صورت می‌گیرد. میدان علم و عمل صبا

در موسیقی هم وسیع و گسترده بود، هم ژرف و عمیق. صبا به هنر ژرف و گسترده‌اش بسنده نکرد و در اندیشه‌ی احیا و نوآوری بود. به راه‌ها و عوامل رسیدن به آن‌ها نیز اشراف و احاطه‌ی کامل داشت. مهم‌ترین نکته این بود که صبا «ایمانش [را] هرگز به تعصب نیالود» (هاکوپیان: ۳).

صبا هنرمندی عالم و یگانه و انسانی صادق و صمیمی بود. نظر ساده و صمیمانه‌ی ایران‌خانم، همسر روح‌الله خالقی درباره‌ی صبا مخلص کلام است: «صبا نمی‌توانست با کسی بد باشد. صبا خوب بود. صبا را خدا خوب خلق کرده بود. صبا جزو نوادر خداوند عالم بود. مؤدب، پاک، بامحبت و بی‌نظیر بود. [...] در مورد صبا مطمئناً همه خواهند گفت: صبا خوب بود!» (ایران خالقی: ۱۴۵۴، ۱۴۵۶).

«برای انسان بودن و هنرمند بودن، [کسب] عنوان و مقام، حقه‌بازی و مدح‌گویی، دوبه‌هم‌زنی و به‌نرخ‌روز زیستن ضروری نیست. [...] در زمانی که دیگران در پی چیزهای به‌اصطلاح روز ضروری هستند، او دنبال چیزهایی بود که از مُد افتاده است. می‌خواند، مطالعه و تحقیق می‌کرد. همه‌ی این‌ها چقدر از پول درآوردن سهل و ساده به دورست. پس لابد مردِ موقع‌شناسی نبود! [...] به همه درس بلندطبعی و فرزاندگی می‌داد. [...] اما او را از پا درآوردند؛ دراین‌باره شکی نباید کرد! نه فلان آدم و فلان شخص به‌خصوص، همه، همه‌ی آن‌ها که می‌خواستند و نتوانستند و آن‌ها که می‌توانستند و نخواستند. هر هنرمندی که زود، خیلی زودتر از معمول می‌میرد، همه‌ی مان مسئول مرگش هستیم. [...] او را می‌شد باز هم زنده نگه داشت. می‌شد او را بیش از این‌ها پرورانید، بزرگ کرد و گسترش داد. [...] او مردی بود که بیش از این‌ها می‌توانست اوج بگیرد. نشو و نما کند. [...] با بیدادی‌ها، بی‌مهری‌ها، نفهمی‌ها او را از پای درآوردند. فردا از آن صباست. خودش این را می‌دانست. لبخندش این را آشکار می‌کرد» (رهنما: ۳۲۰)؛ لبخندی که نشانش را در چشمانش نیز می‌شد دید.

غلامحسین بنان در نامه‌ای به دوستش منوچهر جهانگلنو نوشته است «ببین! حسابِ روشنی است. آدمی وقتی می‌گوید هنرمند باید فضیلت هنری داشته باشد، یاد [...] درویش‌خان، میرزا عبدالله [و] ابوالحسن صبا [...] می‌افتد. این‌ها آتش گذاشته بودند زیر هستی خودشان. تیغی بران فقر را گرفته بودند زیر گلوهاشان

پیش‌گفتار پانزده

که فقط هنر را جان بخشند. این‌ها انسانیتِ خودشان را به خدمت گرفته بودند که بتوانند هرچه نانسانی را تیشه به ریشه بزنند. این‌ها با تن‌های ناتوان برخاسته بودند به جنگ با اهریمنِ بدی‌ها و افکار نابخردانه‌ی اجتماع. [...] قصدشان نه فریب بود و نه مال‌اندوزی. اما حالا چی؟» (آور: ۶۵).

صبا در قفس بود و شوق پرواز داشت، مانند سعدی که می‌گوید: دلم در بندِ تنهایی بفرسود / چو بلبل در قفس روزِ بهاران. توصیف قطعه‌ی در قفس انگار وصف حال صبا بود: «گویی پرنده‌ای در قفس محبوس است و [...] از این سو بدان سو می‌پرد. پس از لحظه‌ای کوتاه، چنان به نظر می‌رسد که دلِ کوچک او به سرعت می‌تپد ولی تلاش او برای رهایی از بند بدین‌جا پایان نمی‌یابد. باز هم و باز هم می‌کوشد. شاید این تلاش‌ها سرانجام به فنا و نیستی منتهی گردد» (ملاح ۱۳۳۶: ۱۰۲، ۱۰۳). به قول فریدون مشیری «رفت آن که در جهانِ هنر جز خدا نبود... در این قفس برای تو یک‌ذره جا نبود» (مشیری ۱۳۷۷: ۱۳۹۵)، ولی به قول خیام: کاش از پسِ صد هزار سال از دلِ خاک / چون سبزه امید بردمیدن بودی! صبا جز بیداد، جفا و حسادت از دیگران ندید و نمی‌بیند. وقتی زنده بود، در رادیو مشیرهمایون شهردار نوازنده‌ای را «برای عبرت سایرین، گاهی جریمه‌ی مالی می‌نمود که البته صبا [...] گاهی مشمول همین قاعده می‌شد» (ذوالنون: ۱۴۲۱). در گزارش کمیسیون موسیقی رادیو نیز آمده است که «آقای علی‌اکبر شهنازی به همکاری با سایر نوازندگان مانند [...] صبا حاضر نبودند» (اسماعیلی: ۱۱۳). صبا وقتی درگذشت، در همان زمان هم در حقش جفا شد. در تهران به مجالس بزرگداشت‌اش ایراد گرفتند و گفتند «چرا برای صبا جار و جنجال می‌کنید؟ او که یک ویولن‌زن بیش‌تر نبود» (صداقت‌نژاد ۱۳۵۱: ح: ۴۳)، و «در تبریز [...] از [برگزاری] مجلس یادبود صبا جلوگیری کردند» (خلاصه‌ی اخبار: ۲).

پس از مرگش ادعا شد که «می‌گفتند تا پاکتِ پول را روی تاقچه نمی‌گذاشتی، [صبا] یک آرشه هم نمی‌کشید» (منتشری: ۱۴۴)، و برای مخالفت با علینقی وزیری، روایت بی‌سندی از نورعلی برومند نقل شد که «صبا پس از سالیان دراز بالأخره به این نتیجه‌ی تلخ رسید که بی‌جهت به موسیقی سنتی ایرانی کم‌تر توجه کرده است» (لطفی: ۹۷). این ادعاها درباره‌ی همان صبایی است که

همچون پدر به هنرجوها می‌رسید و اگر به موسیقی ایران کم‌توجه بود، نگفته‌اند که به چه چیزی توجه داشت.

مدعی‌ها «کسانی هستند که امروز با تمسک به سنت، [...] صبا را تخطئه می‌کنند و خود را به‌ظاهر مدافع برومند نیز جا می‌زنند. از قضا استاد برومند در ضمن خاطره‌هایی که بیان می‌کرد، از [...] صبا، به‌خصوص از ذوق و خلاقیت [...] او] که [از] نزدیک‌ترین دوستانش نیز [بود] همواره به‌نیکی یاد می‌نمود» (کریمی: ۱۶۴). در واقع از سال ۱۳۳۶ که صبا درگذشت، تا بیست‌و یک سال برخی انتقاد داشتند که او واپس‌گرا و مرتجعی است که نتوانست پای از دایره‌ی سنت‌ها بیرون‌گذارد و پس از آن، عده‌ای صبا را هنرمندی خائن و التقاطی نامیدند که پایش به بیرون از دایره‌ی سنت‌ها لغزیده است.

صبا اکنون در میان ما نیست ولی بیش‌تر زوایای مادی و معنوی زندگی‌اش و ابعاد فکری و عملی هنرش برای ما روشن است. همه‌ی منتقدان صبا دچار یک درد مشترک بودند و هستند و آن، عدم شناخت دقیق صبا و سطحی‌نگری درباره‌ی او و کارهای اوست. نگاه‌های غبارآلودی که گرفتار منفعت‌طلبی‌های فردی و جانبداری‌های گروهی هستند نمی‌دانند تاچه و تیمچه که سهل است، صبا جاننش را در راه موسیقی ایران گذاشت. امیدوارم این کتاب، دید و شناخت بهتری از صبا را برای علاقه‌مندان و منتقدانش فراهم آورد تا با دقت و انصاف بیش‌تری درباره‌اش بگویند و بنویسند. صبا آمیزه‌ای بود از اقبال خوش در داشتن خانواده‌ای فرهنگی و پدری دلسوز، استعداد ذاتی و نبوغ هنری، آموزه‌های سنتی و متجددانه‌ی موسیقی، شعر و ادبیات، هنرهای تجسمی، صنایع دستی، تجربیات دوران گذار قاجاریه به پهلوی و انبوه‌آمال و آرزوها که وقایع عمر نه‌چندان بلندش شوربختانه مانع از کامیابی آرمانی او شد، اگرچه صبا بیش از قدر و سعش کوشید.

این کتاب سومین جلد از مجموعه‌ای است به نام «زمرّد» که در به سرانجام رسیدن آن، ناشری صبور و ویراستاری شفیق همچنان نویسنده را با همدلی همراهی کرده‌اند. صمیمانه از باری و همراهی‌شان سپاس‌گزارم.

فرازها و فرودها*

روی هنر حساب کردن، استفاده کردن، انتظار تشویق و تقدیر داشتن، اینها خصایص کسانی است که به هنرمندی تظاهر می‌کنند و هنرمند واقعی نیستند. در راه هنر و اعتلای آن باید همه چیز وقف شود. (صبا ۱۳۳۶ الف: ۱۴)

زندگی بدون هنر که من هرگز تصور آن را هم نمی‌توانم بکنم، شاید شبیه یک جور زندان سیاه است که حتا در آن همه‌گونه حقی را از انسان سلب کنند. (همان‌جا)

کار هنری مخصوصاً در ایران خیلی ناکامی دارد، خیلی زجر دارد. (همان‌جا)

مردم ایران برای فهم و دریافت هنر تربیت نشده‌اند و هنرمند است که باید راهنمای مردم باشد و آن‌ها را متوجه هنر کند. (صبا ۱۳۳۶ ب: ۳۳۸)

* برخی جمله‌ها ویرایش مختصری شده‌اند.

ریشه‌ی موسیقی یکی است و تفکیک موسیقی تحت عناوین شرقی و غربی معنا ندارد. (صفا: ۴)

موسیقی ایرانی ساخته‌ی روح و محیط و تأثرات و عواطف خودمان است. چیزی نیست که به دور ریخته شود یا عوض شود. (همان‌جا)

اگر سه سال دیگر زنده باشم می‌توانم موسیقی ایران را به جایی برسانم که دیگر نگران نمیرم. (همان: ۲۱)

یک هنرمند اگر واقعاً هنرمند است باید ارزش خود را بداند. (زاله صبا ۱۳۳۶: ۱۵)

موسیقی بسته به شخصیت هنرمند است. («استاد ابوالحسن صبا» ۱۳۳۱ الف: ۷)

موزیسین را به سیاست چه کار؟ در کشوری که سیاستمدارانش یک‌جو شعور سیاسی ندارند، او را چه به این ادعاها! (همان: ۲۰)

امروزه آن‌هایی که به هنر موسیقی علاقه نشان می‌دهند می‌خواهند آن را طی چند ماه یاد بگیرند و هنوز به مرحله‌ی صلاحیت و استادی نرسیده، کلاس آموزش باز می‌کنند. (صبا ۱۳۳۶ ب: ۳۳۷)

همان‌طور که همه چیز در مملکت ما رفته‌رفته خراب و بد و ورشکست می‌شود، موسیقی کشور ما هم روزبه‌روز رو به زوال می‌رود. (همان: ۳۳۷، ۳۳۸)

یادداشت‌ها*

«موسیقی ایرانی»

موسیقی ایرانی موسیقی محلی است، یعنی مخصوص این آب و خاک است و در جای دیگر دنیا این قسم موسیقی معمول نیست. این موسیقی تا سی سال قبل که هنوز تمدن اروپایی در شئون [زندگی] ما رخنه نکرده بود، برای حوائج و ضرورت ما کافی بود. یعنی قدما و مطلعین و علمای ما نغمه‌ها و گوشه‌های ما را از کلیه ولایات، قصبات و ده‌ها از [آواز] خواندن افراد جمع‌آوری کرده و مجموعه‌هایی به نام دستگاه تنظیم کرده و مورد استفاده قرار می‌داده‌اند.

[...] قبل از این که نت در ایران معمول شود چون اشخاص با گوش موسیقی را می‌آموختند، [...] به نظر آن‌ها فوق‌العاده [نامحدود] می‌آمده است. لیکن امروز به واسطه‌ی بودن نت و نوشتن قطعات با نت، موسیقی ایرانی محدود [= دارای حدود] شده است ولی نباید

* این بخش شامل گزیده‌ای از مقاله‌ها و یادداشت‌های صباست که اهمیت بیش‌تری از دیگر نوشته‌های او دارند و کم‌تر در دسترس علاقه‌مندان بوده و هستند.

تصور کرد که موسیقی ایرانی حقیر و کوچک است. البته یک نابغه شاید بتواند مشکلات را از راه برداشته، موفق شود. ضمناً اشخاص تازه‌وارد نباید تصور کنند که در حال حاضر، موسیقی ایرانی چیزی نیست و فوراً موفق می‌شوند زیرا تنها مطلب علمی کافی نیست بلکه حالت و نوانس هم مزید بر علت است و فی‌البداهه‌سرایی هم چیز دیگر...

[...] برخی معتقدند که باید موسیقی ایرانی را خلاصه کرد و از تحریرات آن کاست. در صورتی که پایه‌ی موسیقی ایرانی و اهمیت آن فقط به خاطر همین تحریرات است. فرقی که موسیقی ایرانی با موسیقی اروپایی دارد این است که موسیقی اروپایی مثل نظم است و دارای ریتم‌های معین و اوزان مرتب است، در حالی که موسیقی ایرانی شباهت به نثر دارد و هنوز دارای ریتم و وزن مرتبی نیست.

[...] از دوره‌ی ناصرالدین‌شاه به بعد چون موضوع نظام در ایران رایج شد، دسته‌های موزیک [نظام] هم توسط اروپایی‌ها متداول گردید که از مارش‌ها، والس‌ها و سرودهای اروپایی استفاده می‌شد، چنانچه هنوز هم متداول است. بعداً هم ایرانی‌ها به تقلید از آن‌ها الهام گرفتند و سرودهایی ساختند که اقتباس از روش اروپایی بود و به‌صرف این‌که شعر فارسی دارند نمی‌توان آن‌ها را موسیقی ایرانی پنداشت.

(صبا ۱۳۳۶ ب: ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۸)

«مجالس موسیقی»

در مجالس خصوصی که درک موسیقی افراد زیاد بود، از اساتید درجه‌ی یک که عده‌ی آن‌ها در هر دوره‌ای بیش از سه نفر نبود، دعوت می‌کردند و چند نفر هم‌مشرّب که ذوق‌شان درویش‌مآبانه بود از محضر استاد که گاهی هم یک خواننده‌ی درجه‌ی اول و یک

نوشته‌ها*

«هنرمندان را بشناسید» (روح‌الله خالقی)

ابوالحسن بن ابوالقاسم بن محمدجعفر بن محمود بن محمدحسین بن فتحعلی خان صبا سه ساعت به غروب مانده [بود] روز یک‌شنبه ششم محرم ۱۳۲۱ هجری قمری [= چهاردهم فروردین ۱۲۸۲] در تهران، خیابان شاه‌آباد، کوچه‌ی ظهیرالاسلام در خانه‌ای که جنب منزل کنونی ایشان است متولد گردید.

پدرش مرحوم ابوالقاسم کمال‌السلطنه از موسیقی‌دان‌های وقت، و به سازهای مختلف مانند تار و سه‌تار و پیانو آشنا [در] و حتا نت هم می‌دانسته است. پدر صبا از شاگردهای خوب مرحوم میرزا عبدالله بوده و در منزل برای تمرین دروس، صبا را به گرفتن ضرب مجبور می‌کرده است.

گرچه صبا از همین جا به عالم موسیقی وارد گردید ولی وجود

* این بخش شامل گزیده‌ای از مقاله‌ها و یادداشت‌هایی درباره‌ی صباست که کم‌تر در دسترس علاقه‌مندان بوده و هستند.

شاگردان آواز معوق ماند و گرچه آن روزها نسخ اصلی این آثار از طرف خانم [منتخب الملوک] صبا جمع‌آوری گردید تا توسط خودش چاپ شود ولی این امر نیز معوق ماند.

به خاطر دارم خانم صبا برای چاپ این اثر کمیسیون تشکیل داد و این آوازه‌ها توسط خانم فاخره صبا، استاد آواز هنرستان عالی موسیقی و آقای [حسین] دهلوی، رئیس هنرستان موسیقی ملی و عده‌ای از علاقه‌مندان، من جمله آقایان [داریوش] صفوت، فرامرز پایور و [محمد] بهارلو بررسی شد ولی به عللی که خود دانم چاپ نگردید و این جانب چون به آواز دشتی آن دسترسی داشتم، آن را جهت خوانندگان گرامی مجله [موزیک ایران] و علاقه‌مندان در این شماره جهت چاپ تنظیم کردم و درباره‌ی نوشته‌های فارسی شعر در زیر نت‌ها باید به اطلاع برسانم که صبا برخلاف دیگران که می‌خواستند شعر به لاتین نوشته شود عقیده داشت که به فارسی و با حروف چایی و از چپ به راست نوشته شود که شاگردان و معلم، هر دو، بهتر بتوانند سیلاب‌ها را با نت‌ها تطبیق بدهند و چون این روش در هیچ‌یک از آثار صبا رعایت نشده بود و می‌توان گفت که آخرین خواسته‌ی استاد فقید بود، به همان سبک نوشته شد.

(هیربید: ۴۴)

«ابتکارات مخصوص استاد صبا در ویولن» (محمدعلی امیرجاهد)

۱. [...] در غالب فرازهای یک قطعه از موسیقی، صداهای کشداری هست که استاد صبا به لزوم تلطیف آن‌ها توجه داشت و در نتیجه‌ی تدقیق و تمرین به منظور خویش توفیق یافت و آن را در ویولن معمول داشت، بدین طریق که انگشت را قبل از آن‌که در

سروده‌ها

مزاح با ابوالحسن خان در پاسخ به اخوانیه‌ای از صبا

(ایرج میرزا جلال الممالک)

ای بر کچلانِ دهر سرهنگ
حق حفظ کند سر تو از سنگ
ای آکچل ای ابوالحسن خان
ای تو وزغ و حسین خرچنگ
آید چو نسیمِ ری به مشهد
از بوی سر تو می شوم منگ
مدهوش کند مسافرین را
بوی سرت از هزار فرسنگ
گر شعرِ دگر کَلان جفنگ ست
شعرِ تو کچل کَلاچه آجفنگ
ماشاءالله رفته رفته
خطت شده مثلِ خطِ خرچنگ

این‌ها همه طیبیت و مزاح‌ست
 از من نشوی رفیق دلتنگ
 بر چنگ چو پنجه برگشایی
 از پنجه‌ی باربد فِتد چنگ
 سازِ تو عجیب‌تر ز درویش
 نقشِ تو غریب‌تر ز ارژنگ
 تازی تو به علم همچو خرگوش
 دیگر متعلّمان چو خرچنگ

(محبوب ۱۳۵۳: ۲۹، ۳۰)

بنده‌ام بنده خان زیشان را
 کچل آقا ابوالحسن خان را
 کچلی را تو کار خُرد مگیر
 کچلان عاقل‌اند و باتدبیر
 هرچه گویی از کچل شاید
 هرچه می‌خواهی از کچل آید
 هرکه با مکر و دانش و حیَل است
 غالباً دیده‌ام سرش کچل است
 کچل آن‌جا که سر فراز کند
 صد چو شیطان بدو نماز کند
 فتح دانی چرا از آلمان است؟
 در قشونش کچل فراوان است
 گر کچل بود جمله لشگرِ روس
 همه عالم بُدی مسخّرِ روس

(«ایرج و صبا»: ۱۴۷۰)

یادگار استادان (محمد ایرانی مجرد)

سوخت یک‌سر روانِ اهلِ هنر
 در شبِ جمعه از مَه آذر

گاه‌نامه

سال سن	زندگی	پس‌زمینه
۱۲۸۲	تولد در تهران، چهاردهم فروردین	دومین سفر مظفرالدین‌شاه به فرنگ؛ همه‌گیر شدن بیماری وبا در تهران؛ سفر عارف قزوینی به تهران
۲ ۱۲۸۴		سومین سفر مظفرالدین‌شاه به فرنگ؛ صدور فرمان فروش گرامافون در ایران؛ تولد قمرالملوک وزیری؛ تولد نورعلی برومند
۳ ۱۲۸۵		صدور فرمان مشروطیت؛ تولد روح‌الله خالقی؛ تولد احمد عبادی
۶ ۱۲۸۸		خلع محمدعلی‌شاه از سلطنت و به سلطنت رسیدن احمدشاه؛ تولد رهی معیری
۷ ۱۲۸۹	آغاز سه‌تارنوازی نزد میرزا عبدالله	مجروح شدن ستارخان در پارک اتابک تهران؛ کنسرت عارف قزوینی با مرتضی محجوبی

- ۲۹ ۱۳۱۱ ضبط صفحه با ارکستر مدرسه‌ی تولد فرامرز پایور
موسیقی وزیری در کمپانی پارلوفون؛
کنسرت با حسین استوار در مشهد
- ۳۰ ۱۳۱۲ ضبط صفحه با کمپانی کلمبیا؛ تولد
فرزند اولش غزاله؛ کنسرت با آواز
روح‌انگیز و آهنگ‌سازی جمشید کشاورز
انتشار کتاب دستور ویولن وزیری؛
استعفای مهدیقلی هدایت از
نخست‌وزیری و انتصاب محمدعلی
فروغی به این سمت؛ درگذشت
ابوالقاسم عارف قزوینی
- ۳۲ ۱۳۱۴ تولد فرزند دومش زاله؛ ضبط صفحه به
همراه گروه در حلب با کمپانی سودوا
قیام مسجد گوهرشاد در مشهد؛
تأسیس فرهنگستان ایران؛ انتصاب
رکن‌الدین مختاری به کفالت نظمی
- ۳۳ ۱۳۱۵ تدریس در کلاس‌های تئاتر بلدیه
انتشار کتاب دستور جدید تار وزیری؛
ارتقای درجه‌ی رکن‌الدین مختاری به
سرتیپی و انتصاب به ریاست شهربانی کل
- ۳۵ ۱۳۱۷ آشنا شدن با حسین تهرانی؛ ضبط صفحه
به همراه گروه در حلب با کمپانی سودوا
ازدواج محمدرضا پهلوی و فوزیه فؤاد
- ۳۶ ۱۳۱۸ آغاز جنگ جهانی دوم؛ انتشار ماهنامه‌ی
مجله‌ی موسیقی (دوره‌ی اول)
- ۳۷ ۱۳۱۹ نوازندگی در رادیو تهران؛ نوازندگی
در مراسم تشریفات شیربهای فوزیه
افتتاح رادیو تهران؛ واگذاری امور
هنرستان‌های موسیقی به اداره‌ی
هنرهای ملی؛ درگذشت محمد
غفاری (کمال‌الملک)
- ۳۸ ۱۳۲۰ انتشار نت «آهنگ شرفشاهی» در
مجله‌ی موسیقی، شماره‌ی ده و یازده،
سال سوم؛ نوازندگی در ارکستر نوین
حمله‌ی قوای انگلیس و شوروی به
ایران؛ توقف انتشار ماهنامه‌ی مجله‌ی
موسیقی (دوره‌ی اول)؛ عزل رکن‌الدین

کتابنامه

- «آثار صبا» (۱۳۳۷)، ماهنامه‌ی موزیک ایران، س. ۷، ش. ۸، دی، تهران.
- آریان‌پور، امیراشرف (۱۳۹۳)، موسیقی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران: فرهنگستان هنر.
- آزند، یعقوب (۱۳۰۹)، محمودخان ملک‌الشعرا، تهران: کتاب‌های جیبی.
- آور، پری‌دخت (۱۳۹۳)، از نور تا نوا، تهران: ماهور.
- آیرملو، تاج‌الملوک (۱۳۹۱)، خاطرات تاج‌الملوک، ویراسته‌ی مصطفی اسلامی، تهران: نیلوفر.
- ابتهج، هوشنگ (۱۳۹۱)، پیر پرینان‌اندیش، به کوشش میلاد عظیمی و عاطفه طیه، ج. ۱، تهران: سخن.
- «ابوالحسن صبا» (۱۳۳۱)، ماهنامه‌ی موزیک ایران، س. ۱، ش. ۵، مهر، تهران.
- احمدی، مرتضی (۱۳۷۸)، من و زندگی، تهران: فقتوس.
- _____ (۱۳۹۶)، «آن مرد سرود گمشده می‌خواند»، گفت‌وگو با امیرحسین سیادت، دفترهای تئاتر نیلا، ج. ۱۳، تهران: نیلا.
- ادیب، شیرین (۱۳۸۵)، ادیب خوانساری: آوای جاویدان در موسیقی ایران، تهران: آوای هنر و اندیشه.
- «استاد ابوالحسن صبا» (۱۳۳۱ الف)، ماهنامه‌ی موزیک ایران، س. ۱، ش. ۶، آبان، تهران.
- _____ (۱۳۳۱ ب)، ماهنامه‌ی موزیک ایران، س. ۱، ش. ۷، آذر، تهران.
- _____ (۱۳۳۲)، هفته‌نامه‌ی سپیدوسپاه نو، ش. ۱۴، آبان، تهران.

نام‌نامه

این نام‌نامه شامل نام افراد و آثار (تصنیف‌ها، سروده‌ها، صفحه‌های گرامافون، کتاب‌ها، مقاله‌ها و نشریه‌ها) است.

ابتهاج، هوشنگ ۵۹	آبراهیمیان، ملیک ۲۷
ابراهیمی، احمد ۷۸، ۸۹	آراکلیان، سورن ۱۲۶
اتحاد، کاظم ۴۰	آزنگ، ابراهیم ۴۶
احتساب‌الملک ن.ک. صبا، فتحعلی	آش رشته (ساخته‌ی ابوالحسن صبا) ۱۲۴
احمدخان مجاهدالدوله ۵	آشتیانی، اسماعیل ۵
احمدی، مرتضی ۴۰	آفت ن.ک. آنغوز، ملوک
«اختلاف ربع پرده» (نوشته‌ی سعدی	آفاجان دوم ۶، ۱۲
حسینی) ۱۳۶، ۱۳۷	آقاحسینقلی فراهانی ۲۰، ۲۹، ۲۰۶
اخوان، جعفر ۷۰	آفاخان نوری ۱۳۸
ادیب، مصطفی ۲۶	آقامحمد ضرابی ۱
ادیب خوانساری، اسماعیل ۴۰، ۵۸	آلاگارسون (ساخته‌ی ابوالحسن صبا)
اردهالی، جلال ن.ک. پاک‌بین، علی	۱۲۴
استنساخ (اثر محمود صبا) ۳	آلاگارسون (صفحه‌ی گرامافون) ۶۵
استوار، حسین ۶۸، ۷۱	آمنه‌خانم ن.ک. رئیس، آمنه
اسفندیار کوه نور، منتخب‌الملوک ن.ک.	آنغوز، ملوک (آفت) ۵۲
صبا، منتخب‌الملوک	آور، لئوپولد ۸۱، ۸۲
اسفندیاری، ثریا ۱۶۴	آیرملو، تاج‌الملوک ۴۱، ۶۱، ۱۳۴
اسفندیاری، علی ن.ک. نیما یوشیج	آیرملو، عالم تاج ۱۳۴

In the Cage

About Abol-Hassan Saba

Farhoud Safarzadeh



FENJAN
BOOKS

2nd published, 2019. © Fenjan Books, 2019. ISBN 978-600-99642-2-2 Tehran
P.O.Box 14155-5344, Tehran, Iran. +98 919 800 1005 2019
